

رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف

محمد کاشانی پور^۱، علی رحمانی^۲، سید مهدی پارچینی پارچین^{۳*}

۱. عضو هیات علمی دانشگاه مازندران، ایران

۲. عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء، ایران

۳. کارشناس ارشد حسابداری، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۰۶/۲۸)

چکیده

برخی تحقیقات در زمینه مساله نمایندگی به مطالعه نقش سیستم‌های کنترلی در رابطه با مالکان و مدیران پرداخته‌اند. در این تحقیق رابطه بین دو مکانیسم کنترلی، یعنی افشای اختیاری (مکانیسم کنترل خارجی) و مدیران غیرموظف (مکانیسم کنترل داخلی)، که تقلیل دهنده مشکلات نمایندگی می‌باشند، مورد مطالعه قرار گرفت. به همین منظور نمونه‌ای از شرکت‌های تولیدی حاضر در بورس که صورت‌های مالی و گزارش فعالیت هیات‌مدیره مربوط به ۲۹ اسفند سال ۱۳۸۵ را منتشر کرده بودند، انتخاب و در نهایت شامل ۲۳۹ شرکت گردید. افشای اختیاری توسط ۷۱ شاخص که در مطالعات قبلی نیز بکار رفته است با اعمال تعدیلاتی تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان داد که مدل بکاررفته، ۲۰ درصد از تغییرات افشای اختیاری را که در حدود یافته‌های قبلی نیز می‌باشد، بازگو می‌کند. این در حالی است که رابطه معنی‌داری بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف یافت نشد. این مطالعه حرکتی در جهت تحقیقات آتی با محوریت افشای اختیاری است و بر موضوع شفافیت در بازار سرمایه تاکید دارد.

واژه های کلیدی: افشای اختیاری، راهبری شرکتی، مدیران غیرموظف، مکانیسم‌های کنترل داخلی و خارجی

مقدمه

پس از چالش‌های اخیر به دلیل بروزشکلاتی نظیر انرون، پارمالات و ...، تعدادی از محققان سرتاسر جهان، بطور فزاینده‌ای علاقه‌مند به مطالعه مکانیسم‌های کنترلی گردیده‌اند. طبق تئوری نمایندگی، مدیران غیرموظف و دیگر مکانیسم‌های کنترل از جمله روش‌های بهبود افشا می‌توانند، هزینه‌های ناشی از فاصله بین مالکیت و مدیریت را کاهش دهند. شماری از مطالعات تجربی انجام شده (برایکلی و جیمز، ۱۹۸۷؛ لی و دیگران، ۱۹۹۲؛ ارهارت و دیگران، ۲۰۰۳) تایید می‌کنند که استفاده از مدیران مستقل عملاً در کاهش مشکلات نمایندگی موثر است. بعلاوه مطالعات تجربی دیگر نشان می‌دهند که افشا نیز در کاهش هزینه‌های نمایندگی موثر است، (احمد و کورتیز، ۱۹۹۹).

کمبود کارهای انجام شده در سطح جهانی و فقدان آن در کشور، وجود تحقیق تجربی در این خصوص را ضروری می‌نماید. فرض بر این است که مدیران غیرموظف در جهت تخفیف تضادهای منافع سهامداران عمده و اقلیت در جمع اعضای هیات‌مدیره حضور یافته‌اند. طبق برخی از مطالعات (برای مثال، اندرسون و ریب، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴؛ پارک و شین، ۲۰۰۴) ریسک تبانی بین سهامداران کنترلی (عمده) و مدیران غیرموظف وجود دارد، و این وضعیت بطور بالقوه ممکن است منجر به تضعیف ایفای نقش مکانیسم‌های کنترل گردد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

مدیران غیرموظف و افشای اختیاری؛ طبق نظر هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران براساس اطلاعات حسابداری تأثیرات عمده‌ای در تخصیص بهینه منابع اقتصادی یک کشور دارد. [۱۴] در مدلی که توسط دانیل، هیرش لیفر و سایر امانیام (۱۹۹۸) طراحی گردید سهامداران به اطلاعات خصوصی شرکت‌ها واکنش بیش‌تری نسبت به اطلاعات عمومی نشان می‌دهند. [۱] بخش راهبری شرکت‌ها (اعضای هیات‌مدیره و سهامداران عمده) متولی ارائه اطلاعات به بازار سرمایه می‌باشند. از سوی دیگر افشای اختیاری یک مکانیسم کنترل خارجی است که می‌کوشد مشکلات بین سهامداران عضو (دارندگان اطلاعات نهانی) و غیر عضو را از طریق فراهم کردن اطلاعات مربوط به نتایج مالی و غیرمالی کاهش دهد. در تئوری نمایندگی فرض بر این است که سهامداران عضو تمایل به افشای اطلاعات بجای واگذاری امکان نظارت به افراد غیرعضو را دارند، چراکه هزینه‌های ناشی از حضور مدیران برای افشا (هزینه‌های تعهد) کمتر از

هزینه‌های کنترلی افراد غیرعضو (هزینه‌های نظارت) خواهد بود (جنسن و مک‌لین، ۱۹۷۶). [۱۰] طبق تئوری نمایندگی، مدیران غیرموظف مستقل و افشای اختیاری، هردو قادر خواهند بود هزینه‌های ناشی از فاصله بین مالکیت و کنترل را کاهش دهند. تحقیقات تجربی پیشین، در خصوص رابطه بین این دو مکانیسم تاحدودی محدود بوده و نتایج متضادی را در پی داشته است (فُرکر، ۱۹۹۲). [۴] اما برخی از تحقیقات تجربی، از تئوری «وجود اعضای غیرموظف مستقل احتمال وقوع تحریف در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد» حمایت می‌کنند (بیسلی، ۱۹۹۶) [۳]

افشای اختیاری؛ در زمان نگارش این مقاله تحقیقی با موضوع افشای اختیاری در کشور مشاهده نشد. لذا فقط برخی تحقیقات خارجی در رابطه با موضوعات افشای اختیاری بررسی شد که نتیجه آن در زیر ارائه شده است.

چاؤ و ونگ برن (۱۹۸۷)، نشان دادند که افشای اختیاری با اندازه شرکت همبسته بوده ولیکن با اهرم مالی و دارایی‌های ثابت رابطه‌ای نداشته است. [۷]

کریستوفر اف نئو (۱۹۹۹) نشان داد که مدیران منافع محرمانه‌ای از زمان‌بندی موجود در رابطه با افشای اختیاری و معاملات متکی بر اطلاعات نهانی کسب می‌کنند. [۱۵]

هو و ونگ (۲۰۰۱) نشان دادند کمیته حسابرسی با افشای اختیاری رابطه مستقیم و درصد اعضای یک خانواده که عضو هیات مدیره هستند با افشای اختیاری رابطه معکوس دارد. [۱۲]

چاؤ و گری (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت گسترده و وسعت افشای اختیاری اطلاعات شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. این در حالی است که بین مالکیت خانوادگی و افشای اختیاری رابطه منفی وجود دارد. [۵]

کلارکسون و دیگران (۲۰۰۳) شواهدی را مبنی بر تاثیرگذاری مثبت مدیران مستقل بر سطح افشای اختیاری نشان دادند. [۸]

انگ و ماک (۲۰۰۳) نشان دادند که افزایش در تعداد مدیران غیرموظف با کاهش افشای اختیاری اطلاعات همراه می‌باشد. [۹]

ل‌انگ و هارویتز (۲۰۰۴) نشان دادند که همبستگی مهم و مثبتی بین افشای اختیاری بخشی و استقلال هیات مدیره وجود دارد. [۱۳]

چننگ و گرتنی (۲۰۰۶) شواهدی تجربی را در ارتباط با وجود رابطه مثبت بین مدیران مستقل در هیات مدیره و سطح افشای اختیاری ارائه نمودند. [۶]

غزالی و ویتمن (۲۰۰۶) نشان دادند که مالکیت مدیریتی بطور قابل ملاحظه‌ای با حوزه افشای اختیاری اطلاعات در ارتباط است در حالی که مالکیت دولتی و رقابت در صنعت بطور قابل ملاحظه‌ای با افشای اطلاعات و شفافیت اطلاعات شرکت در ارتباط نیست. [۱۱] ماتولسی و چاؤ (۲۰۰۷) به این نتایج رسیدند که ارتباط مثبتی بین ترکیب اعضای هیات مدیره و افشای اختیاری اطلاعات شرکت‌ها در گزارش‌های سالانه وجود دارد. [۱۴] پاتیلی و پرینسپ (۲۰۰۷) نشان دادند که یک رابطه مثبتی بین نسبت مدیران مستقل در هیات مدیره و میزان افشای اختیاری وجود دارد. [۱۶]

فرضیه تحقیق: انتظار می‌رود چنانچه اعضای غیرموظف نقش نظارتی خود را از ناحیه سهامداران کنترلی به خوبی ایفا نمایند اطلاعات اختیاری با هزینه کم منتشر شود. مدیر غیرموظف از طریق بهبود افشای اختیاری، شانس رفتار فرصت طلبانه را از سهامدار عمده سلب می‌نماید. لذا انتظار می‌رود که رابطه مثبتی میان افشای اختیاری و نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره وجود داشته باشد لذا فرضیه پژوهش بصورت زیر مطرح می‌شود: «سطح افشای اختیاری رابطه معناداری با نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره شرکت دارد».

روش تحقیق

از آنجا که گزارش‌های سالانه منبع اصلی اطلاعات برای سهامداران خرد می‌باشد، بر همین اساس انتظار می‌رود نفوذ این دسته از حقوق باقی مانده، همبستگی مثبتی با افشای اطلاعات اختیاری داشته باشد (رافورنیر، ۱۹۹۵؛ هانیفا و کوک، ۲۰۰۲). با مطالعه متغیرهای اقتصادی وابسته به افشای اختیاری که توسط احمد و کورتیز (۱۹۹۹) و پاتیلی و پرینسپ (۲۰۰۷) مورد بحث و تحلیل قرار گرفته بود، مشخص گردید که اندازه شرکت، اهرم و سودآوری دارای تاثیر مثبتی بر میزان افشای اختیاری هستند. از سوی دیگر تشکل‌های کارگری به‌عنوان نمایندگان کارگران شرکت‌ها، به دنبال حداکثر کردن منافع گروه خود می‌باشند. شرکت‌ها احتمالاً از افشای برخی از اطلاعات که منجر به بروز اعمال فشار از طرف اتحادیه‌ها و یا سازمان‌های غیررسمی کارگری خواهد گشت، خودداری خواهند نمود. لذا این احتمال می‌رود که شرکت‌ها با افزایش در پاداش کارکنان خود در جهت کاهش میزان فشار از طرف آنها قدم بر دارند و از طرف دیگر با کاهش در میزان افشای اختیاری از بروز فشارهای بعدی جلوگیری بعمل آورند. لذا برای کنترل اثر متغیرهای

بیان شده بر رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف، بعنوان متغیرهای کنترلی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته؛ سطح افشای اختیاری بعنوان متغیر وابسته، بر اساس شاخص‌های پیشنهادی توسط بوتوسان (۱۹۹۷) که برگرفته از نظرات کمیته جنکینز بود، اندازه‌گیری گردید. در مدل بوتوسان، شاخص‌های مورد استفاده از طریق گزارشات راهبری شرکتی و نیز ارقام رتبه‌بندی شرکت‌های آمریکایی استخراج شده بود. [۴] به دلیل فقدان دو مورد مذکور در ایران، و با توجه به این که سازمان حسابرسی کتابچه‌ای تحت عنوان فرمت نمونه گزارشگری منتشر نموده و شرکت‌ها در تهیه و گزارش اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات اختیاری در متن صورت‌های مالی را محدود نموده است. لذا برای استخراج شاخص‌های افشای اختیاری اطلاعات به گزارش فعالیت هیات مدیره شرکت‌ها اتکا گردید. شاخص‌ها پس از بررسی از نظر الزامی نبودن مطابق استانداردهای حسابداری یا قانونی در شش بخش کلی به شرح ذیل (شامل ۷۱ شاخص) تعیین گردیدند. پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم، اطلاعات بخش‌ها، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات پیش‌بینی، بحث و تحلیل مدیریت. اجزای تشکیل دهنده و نحوه امتیازدهی هر کدام در بخش پیوست ارائه شده است. امتیاز افشای اختیاری از تقسیم مجموع امتیاز حاصله از ۶ بخش بر کل امتیاز قابل دریافت یعنی ۱۳۴ بدست می‌آید.

متغیر مستقل اصلی؛ نسبت مدیران غیرموظف؛ دستورالعمل راهبری شرکتی شامل شماری از توصیه‌ها است، یکی از آنها انتصاب مدیران غیراجرایی است، که تضمین کاهش تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران را در نظر می‌گیرند (گربگور، ۲۰۰۰). اگرچه در ایران دستورالعملی در این زمینه وجود ندارد ولی فرض شد به دلیل مسولیت تضامنی اعضای هیات مدیره طبق قانون تجارت، مدیران غیرموظف انگیزه کافی دارند که برای حفظ پوشش قانونی خود تضاد منافع‌های احتمالی را کاهش دهند. یکی از این اقدامات افزایش افشاهای اختیاری در گزارش فعالیت به مجمع (فراتر از حداقل‌های قانونی) است.

متغیرهای مستقل کنترلی

درصد سهام تملک شده توسط سهامداران خرد (سهام شناور)؛ برای محاسبه آن، ابتدا سهام سرمایه تملک شده توسط سهامداران عمده شرکت محاسبه و رقم باقی مانده بعنوان سهم سهامداران خرد لحاظ می‌گردد.

اندازه شرکت؛ بررسی بال و فُستر (۱۹۸۲) نشان داد که اندازه شرکت بعنوان نماینده صلاحیت داری برای هزینه‌ها و منافع مرتبط با تهیه اطلاعات مدنظر قرار گرفته است. اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی فروش سالانه محاسبه شد.

اهرم؛ اتکای بیشتر شرکت در تامین مالی بر حقوق صاحبان سهام نفوذ سهامداران را در کنترل شرکت بیشتر خواهد نمود. لذا آن را از طریق نسبت سرمایه بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌کنیم. سودآوری؛ انتظار می‌رود شرکت‌های با سودآوری بالا از افشای اختیاری بیشتری برخوردار باشند. سودآوری با معیار سود عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

فشار کارکنان؛ انتظار می‌رود بطور معنی داری با میزان افشای اطلاعات اختیاری شرکت‌ها مرتبط باشد (دی پورز، ۲۰۰۰). مطابق مطالعات قبلی فشار کارکنان از نسبت هزینه منظور شده برای کارکنان (حقوق، مزایا، بن‌های غیر نقدی و ...) بر فروش محاسبه می‌گردد.

روش نمونه‌گیری و تعیین اندازه نمونه

سیاست‌ها و خط مشی‌های افشای شرکت‌ها در طی سال‌های مختلف تا حدودی یکسان و پایدار است (بوتوسان، ۱۹۹۷). [۴] برای مثال، حی لی و دیگران (۱۹۹۵) تنها، ۹۰ شرکت بزرگ را از بین ۵۹۵ شرکت مورد بررسی در ۲۳ صنعت که در طی سال‌های ۱۹۸۰ الی ۱۹۹۰ بررسی شده بود را تعیین کردند که از نظر میزان افشا، در طی سال‌های مورد بررسی تغییر قابل ملاحظه‌ای از نظر رتبه افشا داشتند. بر همین اساس در این تحقیق نیز تنها سال مالی ۱۳۸۵ مورد مطالعه قرار گرفت. برای اهداف تحقیق تنها شرکت‌های که فعالیت تولیدی داشتند و پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه بود، انتخاب گردید.

نگاره ۱. نحوه تشکیل جامعه آماری تحقیق

۴۵۰	کل بازار (۳۶ صنعت)
۶۶	(-) شرکت‌های غیر تولیدی
۶۹	(-) تفاوت در سال مالی
۷۶	(-) عدم دسترسی به گزارش‌های مالی
۲۳۹	کل شرکت‌های تولیدی در دسترس

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی؛ کمیت‌های آمار توصیفی (نگاره ۲) نشان داد؛ بطور میانگین شرکت‌های موجود در جامعه در طی سال ۱۳۸۵، ۲۶۶/۸ میلیارد ریال فروش را به ثبت رسانده‌اند و نسبت سرمایه به کل دارایی‌های آنها بطور متوسط ۱۹ درصد می‌باشد. میانگین نرخ بازده سرمایه‌گذاری برابر ۱۲ درصد و میانگین نسبت هزینه‌های پرسنلی بر فروش برابر ۲۰ درصد بود و بطور متوسط ۱۶/۷۳ درصد از سهام سرمایه شرکت‌های تولیدی توسط سهامداران خرد تملک شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد حداقل ۲۰ درصد (۵ شرکت)، ۲ درصد جامعه) و حداکثر ۱۰۰ درصد (۲۷ شرکت)، ۱۱ درصد جامعه) از کرسی هیات مدیره به مدیران غیرموظف اختصاص یافته است که بطور متوسط ۷۵ درصد از اعضای هیات مدیره شرکت‌های تولیدی را تشکیل می‌دهند.

نگاره ۲. شاخص‌های آماری مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	انحراف معیار
شاخص‌های افشای اختیاری (متغیرهای وابسته)					
پیشیه اطلاعاتی	0.03	0.79	0.26	0.28	0.12
نتایج تاریخی مهم	0	1	0.47	0.46	0.35
اطلاعات بخش‌ها	0	0.86	0	0.04	0.1
آماره‌های کلیدی غیرمالی	0	0.8	0.3	0.27	0.16
اطلاعات پیش‌بینی	0	0.41	0.05	0.08	0.07
بحث و تحلیل مدیریت	0	0.79	0.21	0.23	0.15
افشای اختیاری	0.06	0.59	0.22	0.23	0.1
تعیین کنندگان افشای اختیاری (متغیرهای مستقل)					
نسبت مدیران غیرموظف	0.2	1	0.8	0.75	0.16
اندازه شرکت	21.75	31.93	26.18	26.31	1.5
اهرم	0.02	0.72	0.17	0.19	0.12
سود آوری	-0.38	0.63	0.11	0.12	0.15
فشار کارکنان	0.02	0.83	0.17	0.2	0.13
سهام شناور	0.1	83.6	13.4	16.73	13.32

میانگین افشای اختیاری شرکت‌های تولیدی برابر ۲۳ درصد است و از نظر میانه نیز ۲۲ درصد می‌باشد. گستره تغییرات امتیاز افشای اختیاری کسب شده از حداقل ۶ درصد تا حداکثر ۵۹

درصد نمایش یافته و انحراف معیار برابر ۱۰ درصد است. مقایسه نتایج با مطالعات پیشین (پاتیلی و پرنسیپ، ۲۰۰۷) نشان می‌دهد که میزان پراکندگی افشای اختیاری اطلاعات دارای وضعیت نسبتاً مطلوبی است. همچنین شرکت‌ها بطور میانگین امتیاز افشای اختیاری خود را بیشتر در زمینه نتایج تاریخی مهم کسب کرده‌اند و انتشار اطلاعات اختیاری در زمینه بخش‌ها و اطلاعات پیش‌بینی کمترین مشارکت را در کسب امتیاز افشای اختیاری داشته است.

آزمون فرضیه و نتایج آن

برای آزمون فرضیه از مدل رگرسیون چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$DSCORE_t = \beta_0 + \beta_1 OUTSID_t + \beta_2 LSAL_t + \beta_3 LEV_t + \beta_4 ROI_t + \beta_5 LABC_t + \beta_6 ROWNDIF_t + \varepsilon_t$$

که در آن (DSCORE) میزان افشای اختیاری شرکت‌های مورد بررسی است که بصورت تابعی از متغیرهای توضیحی؛ (OUTSID) مدیران غیرموظف، (LSAL) اندازه شرکت، (LEV) اهرم، (ROI) سودآوری، (LABC) فشار کارکنان، (ROWNDIF) درصد سهام تملک شده توسط سهامداران خرد (سهام شناور)، می‌باشد. ε_t جمله پسامد مدل و β_0 عرض از مبدا است.

تحلیل رگرسیون

بررسی نرمال بودن؛ مطابق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (نگاره ۳) از میان ۱۳ متغیر مورد آزمون، ۴ متغیر (افشای اختیاری، اندازه شرکت، اهرم، سودآوری) از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. اما مطابق آزمون شاپیرو-ویلک هیچکدام از متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. لذا فرض بر عدم نرمال بودن داده‌ها قرار گرفت و از طریق نرم افزار داده‌ها نرمال گردیدند.

بررسی استقلال متغیرها؛ برای بررسی استقلال متغیرهای مدل از آزمون دوربین - واتسون استفاده گردید. نتیجه آزمون (نگاره ۴) به عدد ۲ که معیار عدم وجود همبستگی است، نزدیک می‌باشد و نشانگر استقلال متغیرهای تحقیق است.

بوازش مدل؛ آزمون نشان داد (نگاره ۴) سطح خطای آماره F برابر صفر می‌باشد و تایید کننده معنی‌داری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. آزمون نشان داد ۲۰ درصد تغییرات در افشای اختیاری توسط متغیرهای تحقیق توضیح داده می‌شود.

نگاره ۳. بررسی نرمال بودن توزیع داده ها

متغیرها	D ماکزیمم	سطح خطای آزمون کولمو گوروف - اسمیرنوف	آماره شاپرو - ویلک	شاپرو - ویلک سطح خطای آزمون
پیشیه اطلاعاتی	0.15	p<.01	0.91	0.00
نتایج تاریخی مهم	0.15	p<.01	0.89	0.00
اطلاعات بخش ها	0.43	p<.01	0.47	0.00
آماره های کلیدی غیر مالی	0.15	p<.01	0.95	0.00
اطلاعات پیش بینی	0.17	p<.01	0.87	0.00
بحث و تحلیل مدیریت	0.11	p<.05	0.95	0.00
افشای اختیاری	0.07	p>.20	0.97	0.00
نسبت مدیران غیرموظف	0.34	p<.01	0.81	0.00
اندازه شرکت	0.06	p>.20	0.98	0.00
اهرم	0.08	p<.10	0.90	0.00
سود آوری	0.08	p<.10	0.97	0.00
فشار کارکنان	0.13	p<.01	0.86	0.00
سهام شناور	0.11	p<.01	0.90	0.00

نگاره ۴. نتایج آزمون استقلال متغیرها و برازش مدل

آماره	ارزش
ضریب همبستگی	0.453284
ضریب تعیین	0.205467
آماره F	9.051016
F سطح خطای	0.000000
خطای استاندارد برآورد	0.074751
دوربین - واتسون (DW)	2.053046

این میزان در حدود یافته‌های مطالعات دیگر می باشد (بیسلی، ۱۹۹۶؛ انگ و ماک، ۲۰۰۳؛ پاتیلی، ۲۰۰۷). همانگونه که در نگاره ۵ ملاحظه می شود، ضریب ۰/۰۴- در سطح خطای

۰/۲۳ آماره t بیانگر عدم معنی‌داری رابطه منفی بین نسبت مدیران غیرموظف و افشای اختیاری می‌باشد. این نتایج با یافته‌های هو و ونگ (۲۰۰۱) همسو است. تحقیقات دیگری همچون آگراوال و نوبر (۱۹۹۶) و وانگ و ماک (۲۰۰۳) نیز وجود رابطه منفی بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف را نشان دادند. این در حالی است که نتیجه فوق بر خلاف نتایج تحقیقات چن و چاگی (۱۹۹۸) و فورکر (۱۹۹۲) است. ضریب ۰/۰۲۹ در سطح خطای صفر آماره t بیانگر وجود رابطه مثبت بین نسبت‌اندازه شرکت و افشای اختیاری می‌باشد. این نتیجه همانند کار انجام شده توسط کوک (۱۹۹۲) و میک آدامز و محمود حسین (۱۹۹۸) است. [۲] ضریب ۰/۰۳۲ در سطح خطای ۰/۴۵۸ آماره t بیانگر عدم معنی‌داری رابطه مثبت بین اهرم و افشای اختیاری می‌باشد. که با کار چاؤ و ونگ برن (۱۹۸۷) سازگار است. ضریب ۰/۰۰۵- در سطح خطای ۰/۸۹۹ آماره t بیانگر عدم معنی‌داری رابطه منفی بین سودآوری و افشای اختیاری می‌باشد. انگ و ماک (۲۰۰۳) نتایج مشابهی را بدست آوردند. ضریب ۰/۱۱۴ در سطح خطای ۰/۰۲۶ آماره t بیانگر وجود رابطه مثبت بین فشار کارکنان و افشای اختیاری می‌باشد. نتیجه بدست آمده عکس مشاهدات پاتیلی و پرنسیپ (۲۰۰۷) است.

تکانه ۵. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره

متغیر	ضرایب رگرسیون	بازآورد انحراف استاندارد	آماره t	تصحیح فکت
عرض از مبدا	-0.529668	0.124157	-4.266100	0.000030
نسبت مدیران غیرموظف	-0.040141	0.033298	-1.205500	0.229367
اندازه شرکت	<u>0.028741</u>	0.004307	6.673220	<u>0.000000</u>
اهرم	0.032318	0.043476	0.743350	0.458100
سود آوری	-0.005151	0.040406	-0.127490	0.898676
فشار کارکنان	<u>0.113831</u>	0.050773	2.241970	<u>0.026009</u>
سهام شناور	-0.000591	0.000377	-1.568130	0.118357

ضریب ۰/۰۰۰۵ در سطح خطای ۰/۱۱۸ آماره t بیانگر عدم وجود رابطه مثبت بین نسبت حقوق باقی مانده (سهام شناور) و افشای اختیاری می باشد. نتیجه کار چاؤ و گری (۲۰۰۲) و زیب و یانگ و چاؤ (۲۰۰۴) این موضوع را تایید می کند.

بررسی رابطه بین اجزای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل؛ در این بخش رابطه بین اجزای متغیر وابسته یعنی سطوح افشای اختیاری و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفت لذا هر کدام از اجزای متغیر وابسته را بعنوان یک متغیر وابسته وارد مدل مورد بررسی نمودیم. خلاصه نتایج در نگاره شماره ۶ نمایش یافته است. آزمون‌های رگرسیون و ضرایب همبستگی هر یک از اجزای افشای اختیاری نشان داد که؛ متغیر وابسته پیشینه اطلاعاتی بااندازه شرکت و فشار کارکنان رابطه مثبت و معنی داری دارد. متغیر وابسته نتایج تاریخی مهم بااندازه شرکت رابطه مستقیم و معنی دار و با سهام شناور آزاد رابطه منفی و معنی داری دارد. متغیر وابسته آماره‌های کلیدی غیر مالی با فشار کارکنان رابطه مثبت و معنی داری دارد. متغیر وابسته اطلاعات بخش ها-بااندازه شرکت رابطه مثبت و معنی دار و با اهرم رابطه منفی معنی دار دارد. متغیر وابسته اطلاعات پیش بینی بااندازه شرکت رابطه مثبت و معنی داری دارد. متغیر وابسته بحث و تحلیل مدیریت با هیچکدام از متغیرهای مستقل رابطه معنی داری ندارد.

نگاره ۶. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره به تفکیک بخش های افشای اختیاری

متغیرها	پیشینه اطلاعاتی		نتایج تاریخی مهم		آماره های کلیدی غیر مالی		اطلاعات بخش ها		اطلاعات پیش بینی		بحث و تحلیل مدیریت	
	P	β_i	P	β_{Pi}	P	β_i	P	β_i	P	β_i	P	β_i
عرض از مبدا	0.00	-0.862	0.15	-0.758	0.70	-0.096	0.00	-0.558	0.03	-0.243	0.38	0.205
نسبت مدیران غیرموظف	0.97	-0.001	0.50	-0.092	0.08	-0.113	0.18	0.051	0.66	-0.013	0.09	-0.101
اندازه شرکت	0.00	0.0420	0.00	0.049	0.07	0.016	0.00	0.021	0.00	0.012	0.49	0.005
اهرم	0.32	0.062	0.33	-0.186	0.75	0.028	0.02	-0.116	0.38	0.036	0.63	-0.040
سود آوری	0.07	-0.103	0.21	0.222	0.74	0.027	0.45	-0.037	0.25	-0.044	0.31	-0.079
فشار کارکنان	0.00	0.190	0.26	0.246	0.04	0.214	0.13	0.091	0.57	-0.026	0.41	-0.079
سهام شناور	0.64	-0.000	0.03	-0.003	0.10	-0.001	0.89	0.000	0.63	0.000	0.30	-0.000
ضریب همبستگی	0.175		0.281		0.222		0.331		0.254		0.178	
ضریب تعیین	0.153		0.079		0.049		0.109		0.064		0.031	
آماره TF	0.000		3.289		1.982		4.702		2.648		1.261	
آسطح خطای	0.1099		0.004		0.069		0.000		0.016		0.276	
خطای استاندارد برآورد	0.1099		0.3394		0.1599		0.0924		0.072		0.148	
دوربین- واتسون (DW)	1.937		2.066		1.953		1.986		1.960		2.02	

نتیجه‌گیری

همانگونه که بیان گردید، مدیران غیرموظف مستقل بعنوان یک مکانیسم کنترل داخلی در کنار افشای اختیاری بعنوان یک مکانیسم کنترل خارجی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با یکدیگر همزیستی دارند. این در حالی است که شرط مستقل بودن در میان اعضای غیرموظف یک عامل تعیین کننده می باشد. دلایل قابل ذکر برای عدم تاثیرگذاری مدیران غیرموظف بر میزان افشای اختیاری اطلاعات به شرح ذیل می باشد:

۱. وجود روابط خاص بین مدیران غیرموظف و مدیران موظف.
 ۲. آنها نماینده یک خانواده یا سهامدار عمده در هیات‌مدیره می باشند.
 ۳. عضو هیات‌مدیره شرکت‌های زیرگروه بوده و دارای سمت اجرایی می باشند.
 ۴. تعدادی از اعضای موظف و غیرموظف نماینده یک شخصیت حقوقی می باشد.
- هرچند امتیاز افشای شرکت‌ها در حدود یافته‌های قبلی است اما اکتفای شرکت‌ها بر اقلام پیشنهادی سازمان حسابرسی، عدم توجه به مقوله افشای اختیاری اطلاعات در متن صورت‌های مالی را در پی داشته است. حل این مانع باعث انعطاف در گزارشگری و توجه به جنبه‌های گوناگون شرکت خواهد شد.

پیشنهادات

سازمان بورس و اوراق بهادار در رتبه بندی شرکت‌ها علاوه بر معیارهای زمانی مورد لحاظ از اقلام افشای الزامی و اختیاری استفاده نماید تا وضعیت افشا بهبود یابد. این موضوع از این لحاظ اهمیت دارد که بسیاری از سهامداران از گذشته نگر گزارش هیات‌مدیره گله‌مند هستند و با افزایش تعداد مدیران غیرموظف نیز مشکل حل نخواهد شد.

تدوین آیین‌نامه‌ای برای حضور حداقل یک عضو غیرموظف مستقل در هیات‌مدیره شرکت‌های سهامی عام بخصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس توسط سازمان بورس و اوراق بهادار. این امر در برخی از کشورهای آمریکایی، اروپایی و آسیای جنوب شرقی وجود داد. غیرموظف بودن به تنهایی حداقل در سطح نمونه مورد بررسی نتوانسته است در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی از طریق افشای اختیاری موثر باشد و شاید شرط استقلال آن را حل کند.

پیوست: شاخص‌های افشای اختیاری و نحوه وزن‌دهی

شاخص‌های افشای اختیاری؛ پیشینه اطلاعاتی (BCKG): خلاصه‌ای از فعالیت‌ها- بیان اهداف یا طرح‌ها- بیان کلی استراتژی- اقدامات انجام شده در طی سال برای دستیابی به اهداف- اقدامات برنامه‌ریزی شده برای دست‌یابی در سال‌های آتی- برنامه زمانی برای دستیابی به اهداف- محیط رقابتی- تاثیر رقابت بر سودهای جاری- تاثیر رقابت بر سودهای آتی- توصیف کلی شرکت- محصولات یا خدمات اصلی تولید شده- مشخصه‌های ویژه آنها- بازارهای اصلی- مشخصه‌های ویژه آنها- تشریح کارخانجات/ انبارها- ساختار سازمانی- چارت سازمانی مدیریت.

خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم (HIST): نسبت‌های سوددهی- نسبت‌های ساختار مالی- نسبت‌های نقدینگی- نسبت‌های دیگر- پیش‌بینی سود هر سهم- سنجش فروش‌ها- سنجش سود عملیاتی- سنجش سود خالص.

آماره‌های کلیدی غیرمالی (NONF): میانگین حقوق هر کارمند- میانگین سن کارکنان کلیدی- سهم از بازار محصولات یا خدمات اصلی- واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- قیمت فروش هر واحد مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- میزان رشد در واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- فروش سر به سر مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- زمان انجام تولید یا تحویل- تشریح روش‌ها یا فوت و فن تولید- تشریح مشتری‌ها.

اطلاعات بخش‌ها (SEGM): تشریح- دارایی‌ها- بدهی‌ها یا تامین مالی- استهلاک- سود عملیاتی- سرمایه‌گذاری- تحقیق و توسعه.

اطلاعات پیش‌بینی (PROJ): مقایسه پیش‌بینی‌های قبلی سود با سودهای واقعی- مقایسه پیش‌بینی‌های قبلی فروش‌ها با فروش‌های واقعی- تاثیر فرصت‌های موجود بر فروش‌ها یا سودهای آتی- تاثیر پوشش ریسک شرکت بر فروش‌ها یا سودهای آتی- پیش‌بینی سهم از بازار- پیش‌بینی گردش وجه نقد- پیش‌بینی مخارج سرمایه‌ای- پیش‌بینی مخارج تحقیق و توسعه- پیش‌بینی سودهای آتی- پیش‌بینی فروش‌های آتی.

بحث و تحلیل مدیریت (MNGT): توضیحاتی در خصوص تغییر در فروش‌ها- توضیحاتی در خصوص تغییر در درآمد عملیاتی- توضیحاتی در خصوص تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته- توضیحاتی در خصوص تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته به

عنوان درصدی از فروش‌ها-توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص-توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص بعنوان درصدی از فروش‌ها-توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه‌های اداری و تشکیلاتی-توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه بهره یا درآمد بهره-توضیحاتی در خصوص تغییر در سود خالص-توضیحاتی در خصوص تغییر در موجودی کالا-توضیحاتی در خصوص تغییر در حساب‌های دریافتی-توضیحاتی در خصوص تغییر در مخارج سرمایه‌ای-توضیحاتی در خصوص تغییر در مخارج تحقیق و توسعه-توضیحاتی در خصوص تغییر در سهم از بازار-تفسیر نسبت‌های سوددهی-تفسیر نسبت‌های ساختار مالی-تفسیر نسبت‌های نقدینگی-تفسیر دیگر نسبت‌ها-تفسیر پیش بینی سود هر سهم.

خلاصه‌ای از سیستم وزنی؛ پیشینه اطلاعاتی (BCKG): به هر قلم گزارش شده یک امتیاز و در صورت کمی بودن نیز یک امتیاز دیگر تعلق می‌گیرد.

خلاصه‌ای از عملکرد تاریخی (HIST): در مورد نسبت‌ها و پیش‌بینی سود هر سهم، اگر اطلاعات دوره آخر (X) باشد یک امتیاز و نیز دوره (X-1) باشد یک امتیاز دیگر و امتیاز اضافی دیگر در صورتی که (X-2) باشد، تعلق می‌گیرد. برای فروش‌ها، درآمد عملیاتی و سود خالص، اگر با اشاره به (X-2) باشد یک امتیاز تعلق می‌گیرد.

اطلاعات بخش (SEGM): یک امتیاز به هر یک از اقلام گزارش شده تعلق می‌گیرد.

اطلاعات غیر مالی اساسی (NONF): دو امتیاز برای هر کدام از اطلاعات گزارش شده.

اطلاعات پیش‌بینی (PROJ): موارد کیفی اقلام ۱ و ۲ یک امتیاز و اقلام ۳ الی ۱۰ دو امتیاز و یک امتیاز برای اقلام کمی و یک امتیاز به اقلام ۹ الی ۱۰ اشاره به بخش(های) اصلی.

بحث و تحلیل مدیریت (MINGT): موارد کیفی اقلام ۱ الی ۱۴ یک امتیاز و یک امتیاز نیز به موارد کمی به استثنای فروش و درآمد عملیاتی تعلق می‌گیرد. دو قلم، اگر به بخش‌های اصلی اشاره شود یک و اگر بر مبنای سرجمع باشد نیم امتیاز تعلق می‌گیرد. اقلام ۱۵ الی ۱۹ اگر نسبت‌های X لحاظ شود یک و اگر روند نیز بررسی شود یک امتیاز اضافی تعلق می‌گیرد.

منابع

۱. مهرانی، ساسان و مهرانی، کاوه و کرمی، غلامرضا، ۱۳۸۳، «استفاده از اطلاعات تاریخی مالی و غیرمالی جهت تفکیک شرکت‌های موفق از ناموفق»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۹۲-۷۷.
2. Adams, M. & Hossain, M.(1998)«Managerial discretion and Voluntary disclosure: Empirical evidence from the New Zealand life insurance industry», *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 17, No. 3, pp. 245-281.
3. Ahmed, K. & Curtis, J. K.(1999)«Associations between corporate characteristics and disclosure levels in annual reports: a meta-analysis», *British Accounting Review*, Vol. 31, No. 1, pp. 35-61.
4. Botosan, C.A.(1997)«Disclosure level and the cost of equity capital», *The Accounting Review*, Vol. 72, No. 3, pp. 323-349.
5. Chau, G.K. & Gray, S. J.(2002)«Ownership structure and corporate voluntary disclosure in Hong Kong and Singapore», *The International Journal of Accounting*, Vol. 37, No 2, pp. 247-265.
6. Cheng & Eugene C.M. & Courtenay S.M.(2006)«Board Composition Regulatory Regime and Voluntary Disclosure», *The International Journal of Accounting*, Vol. 41, No. 3, pp. 262-289.
7. Chow, C.W. & Wong-Boren, A.(1987)«Voluntary Financial Disclosure by Mexican Corporations», *The Accounting Review*, Vol LXII, No. 3, pp. 533-541.
8. Clarkson, P.M. & Ferguson, C, & Hall, J.(2003)«Auditor Conservatism and Voluntary Disclosure: Evidence from the year 2000 Systems Issue», *Accounting and Finance*, Vol. 43, pp. 21-40.
9. Eng, L. & Mak, Y.T.(2003)«Corporate governance & voluntary disclosure», *Journal of Accounting and public policy*, pp. 325-345.
10. Fama, E. & Jensen, M.(1983)«Separation of ownership and control», *Journal of Law and Economics*, Vol. 26, pp.301-326.
11. Ghazalia, N.A.M. & Weetman, P.(2006)«Perpetuating Traditional Influences: Voluntary Disclosure in Malaysia following the economic crisis», *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 15, No. 2, pp. 226-248.
12. Ho, S.M. & Wong, K.S(2001)«A Study of the Relationship between Corporate Governance Structures and The Extent of Voluntary Disclosure», *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 10, No. 2, pp. 139-156.
13. Leung S. & Horwitz B.(2004) .«Director Ownership & Voluntary Segment Disclosure: HongKong Evidence», <http://ssrn.com/abstract=591401>.
14. Matolcsy, S.L.Z., & Chow, D.(2007)«The Association between Board Composition and Different Types of Voluntary Disclosure», *European Accounting Review*, Vol.16, No. 3, pp. 555-583.

15. Noe C.F.(1999)«Voluntary disclosure and insider transactions», Journal of Accounting and Economics Vol. 27, No 3, pp. 305-326.
16. Patelli L. & Prencipe A.(2007)«The relationship between Voluntary Disclosure and Independent Directors in the presence of a Dominant shareholders», Journal of European Accounting Review, Vol. 16, No. 1, pp. 5-33.